

کتاب دانیال — ایک سو ترین نمبر

نمادگرایی روحانی پادشاهی‌های شمالی و جنوبی: سفری در میان معابد
کتاب مقدسی و سرشت انسان

Jeff Pippenger

2024-03-23

پادشاهی شمالی بیانگر طبیعت فروتر در هیکل انسان بود؛ بدن را در هیکل کلیسا نمایندگی می‌کرد؛ و جسم انسانی را در هیکل مسیح نمایان می‌ساخت. مسیح هر هیکل را بنا کرد، و هر بنیاد را او نهاد؛ و نخستین سنگ در هیکل میلریتی، تعلیم «هفت زمان» بود که به وسیله دو چوب حزقیال نمود یافته است. در شورش ۱۸۶۳، ادونتیسیم لائودیکیه‌ای «سنگ زاویه»ی نبوی خود را رد کرد؛ امری که در بنای هیکل زمینی نیز روی داد. آن سنگ مردود مقدر بود که در پایان برپایی هیکل برگزیده شود، هرچند در سراسر دوران ساخت، سنگ لغزش بود. با این همه، کلام نبوی تصریح می‌کند که سنگ مردود لغزش سرانجام رأس زاویه خواهد شد.

چوب «هفت زمان»، آن گونه که به وسیله مملکت جنوبی نمایانده می‌شود، در نسبت با مملکت شمالی، «سر» است. «سر» است، زیرا در مملکت جنوبی بود که خدا برگزید اورشلیم را به عنوان شهر خود معرفی کند، جایی که مقدس خود و نام خویش را در آن نهاد. تا هنگامی که آن دو چوب از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ به هم پیوستند، «سر» همان مملکت پست‌تر، یعنی مملکت جنوبی، بود. هنگامی که در سال ۱۸۴۴ به یوحنا گفته شد که مملکت شمالی را واگذارد، زیرا به امت‌ها داده شده بود، مملکت جنوبی به صورت علمی برجای ماند که به تنهایی همچون یک امت ایستاده بود، یا دست‌کم چنین نقشه‌ای در کار بود. آن نقشه به سبب طغیان سال ۱۸۶۳، و نخستین «طغیان در قادیان» اسرائیل جدید، به مانع برخورد.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، خداوند کلیسای لائودیکیه‌ای خویش را به سال ۱۸۶۳، به سال ۱۸۸۸، به سال ۱۹۱۹، و به سال ۱۹۵۷ بازگردانید؛ به «شورش دوم در قادیان». اما در آن شورش، اکنون وعده اینکه سنگی که مردود شد، سر زاویه گردد، در حال تحقق است. این وعده در کسانی تحقق می‌یابد که به عنوان صد و چهل و چهار هزار تن معرفی شده‌اند؛ همانان که مسیح در ایشان پیوند الوهیت و انسانیت را تا ابد به انجام می‌رساند.

پولیس طبیعت فروتر را جسم، و طبیعت برتر را ذهن نامید. او بدن را (یعنی طبیعت فروتر را) مرگ معرفی کرد.

زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است؛ اما من جسمانی‌ام و به گناه فروخته شده‌ام. زیرا آنچه می‌کنم، خود نیز آن را نمی‌پسندم؛ چون آنچه را می‌خواهم، به‌جا نمی‌آورم، بلکه آنچه را نفرت دارم، همان را انجام می‌دهم. پس اگر آنچه را نمی‌خواهم انجام می‌دهم، با شریعت موافقت می‌کنم که نیکوست. اکنون دیگر این من نیستم که آن را به‌جا می‌آورم، بلکه گناهی است که در من ساکن است. زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسم من، هیچ نیکویی ساکن نیست؛ زیرا خواستن در من حاضر است، اما یافتن راه به‌جا آوردن آنچه نیکوست، در من نیست. زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم، انجام نمی‌دهم؛ بلکه آن بدی را که نمی‌خواهم، همان را به‌جا می‌آورم. و اگر آنچه را نمی‌خواهم انجام می‌دهم، دیگر این من نیستم که آن را به‌جا می‌آورم، بلکه گناهی است که در من ساکن است. پس این اصل را می‌یابم که هرگاه می‌خواهم نیکی کنم، بدی نزد من حاضر است. زیرا بحسب انسان درونی، از شریعت خدا مسرورم؛ اما در اعضای خود شریعتی دیگر می‌بینم که با شریعت ذهن من جنگ می‌کند و مرا اسیر شریعت گناهی می‌سازد که در اعضای من است.

وای بر من که چه مرد شوربختی هستم! چه کسی مرا از پیکر این مرگ خواهد رهانید؟ رومیان ۱۴:۷-۲۴.

هئو وُشانوگات وِے چاهِے، پُروُتُتُتُیوُ وِے کرتُتُی. نهُی وُاس" وُسُتُ اُچُخُی کُوُی "مِے" شَریر "وُسُکُی کُتُا جُانُتا پُاوُلُس کُام هُی کُا جُانِے لِے اُور کُی پُاپ وُسِے کُوُول، تُی وُدیُمان مِے) دِه (شَریر وُسُکُے جُو، وُکُسُتُ دُوارُا اُبُیُاس یا پُرمِشُور اُبُهلُاِشا کُی پُاوُلُس پُرنُتُ، تُی کرتُتُ پُرتُنُیُتُیُتُ وُا وُیُوُسُتُا کُی پُاپ پُروُتُتُتُیوُ وِے تُی. کرتُتُ کُی مَن اُپُنِے "نِے پُاوُلُس کُو وُیُوُسُتُا کُی پُرمِشُور کُو. وُیُوُسُتُا کُی پُاپ کُنُی، تُی کُی مانُنِے کُو وُیُوُسُتُا کُی کُوُن سِے دِه کُی مُتُیُ وُس مُؤِی، "تُی پُکار وُسُکُی پُه_چُانا. مِے رُوپ کُے) سُوُباو وُچُتُر اُپُنِے" (وُیُوُسُتُا خُوتُکارِے کُتُا جُانُتا هُی وُه وُه پُر، لُاِیُی هُی دُویُتا خُوتُکارُا کُتُا جُانُتا پُاوُلُس، هُی نَشِی_ی?" خُوتُاِیُاا تُی. اُاوُشُی_کُ سُه_با_یُاا اُپُنُی وُسُکُی لُایِے کُے کُارُی کُے

پُس، اُی حُیُیُان مَن، هُمان_گُونِے کُے هُمِیُشِے اطُاعت کُردِه_ایُد، نِه تُنُها دُر حُضُور مَن، بُلکِے اُکُنُون بُسیار بُیُشُتُر دُر غُیاب مَن، نُجات خُویُش را با تُرس و لُرز بِه اُنُجام رُسانُیُد. زُیُرا اُیُن خُداست کُه دُر شُما هُم ارادِه و هُم عَمَل را بَرای خُشُنُودُی نِی_کُوی خُویُش پُدیُد مِی_اُورُد. فِیلِیُیُان ۲:۱۲، ۱۳.

نُجات از بَدَن مَوت بِه_واسطِهُ قُدرتِ اُلهِی بِه اُنُجام رُسیُد، و اُیُن قُدرت با قُدرتِ اُنُسانی پُیُوند داشُت، و اُیُن هُمان نُمُونِه_ای بُود کُه عِیُسی بَرای اُنُسان_ها فُراهِم سَاخت. حُتُی با اُنُکِه شُریعتِ گُناهِ بِه_طُور فُعال دُر طُبیعتِ پُایُیُن بَدَن عَمَل مِی_کُرد، عِیُسی با تَسلِیْم ارادِهُ خُود بِه ارادِهُ پُدرِ خُویُش، طُبیعتِ پُایُیُن خُود را مَطِیْع شُریعتِ خُدا داشُت. پُولُس مِی_تُوانُست رُهایِی بُیاد اُگر ارادِهُ خُود را بِه ارادِهُ الوُهیُت تَسلِیْم مِی_کُرد. او با چُنِیُن کُاری، نُجاتِ خُویُش را بِه عَمَل دُر مِی_اُورُد، و اُیُن هُمان چِیُزی اسُت کُه خُواهِر وایت از اُن مَراد مِی_کُند هُنُگامی کُه دُر بارِهُ کُار زُدُودن گُناهِ از زُندِگی ما سَخُن مِی_گُویُد.

«هُر نَفُسی کُه از سِپُردن خُویُش بِه خُدا سُر پاز زُند، حُتُت تَسلُط قُدرتِی دُیُگر اسُت. او از اُن خُود نِیُست. مُمکن اسُت از اُزادِی سَخُن بَگُویُد، اُما دُر خُقتِ بارتُریُن بَر دُگی بِه سُر مِی_بُرد. بِه او اُجازِهُ دُادِه نُمِی_شُود زُیُایُی حُقیقت را بُیُیُنُد، زُیُرا دُهن او زُیُر سُلطِهُ شُیطان اسُت. دُر حُالی کُه خُود را مِی_فُریُبد کُه از داوُری خُویُش پُیُروُی مِی_کُند، از ارادِهُ شُاهزادِهُ تاریکی اطُاعت مِی_نُمایُد. مَسیح اُمد تا زنجیرِهای بَر دُگی گُناهِ را از جُان بَگُسلُد. «پُس اُگر پُسر شُما را اُزاد کُند، دُر حُقیقت اُزاد خُواهِیُد بُود.» «شُریعتِ رُوح حیات دُر مَسیح عِیُسی» ما را «از شُریعتِ گُناهِ و مَرگ» اُزاد مِی_سازُد. رُومیان 8:2»

«دُر کُار رُستگاری هُیچ اُجبارِی وُجُود نُدارد. هُیچ نِیُروُی بُیُرونی بِه کُار گُرفُتِه نُمِی_شُود. حُتُت تَأثِیر رُوح خُدا، اُنُسان اُزاد گُذاشُتِه مِی_شُود تا بَرجُزِیُنُد کُه بِه چِهُ کُسی خُدمت خُواهِد کُرد. دُر اُن تَبدِیْلِی کُه هُنُگامی رُخ مِی_دِهد کُه جُان خُود را بِه مَسیح تَسلِیْم مِی_کُند، وَاَلاتُریُن مَعنای اُزادِی وُجُود دُارد. بُیُرون راندن گُناهِ، عَمَل خُودِ جُان اسُت. دُرست اسُت کُه ما هُیچ قُدرتِی نُداریْم تا خُود را از سُلطِهُ شُیطان اُزاد سازِیْم؛ اُما هُنُگامی کُه اُرزو مِی_کُنِیْم از گُناهِ رُها شُویْم، و دُر نِیاز عَظِیْم خُود بَرای نِیُروُی بُیُرون از خُویُشُتن و بَرتُر از خُویُشُتن فُریاد بَر مِی_اُوریْم، قُوای جُان از اُنرژِی اُلهِی رُوح_القُدُس اُکُنُده مِی_شُوند، و دُر بِه_جَا اُورُدن ارادِهُ خُدا، از فُرمُان_های ارادِهُ اطُاعت مِی_کُنُند.»

"یُگانِه شُروطی کُه بَر اُساس اُن اُزادِی اُنُسان مُمکن مِی_گُردُد، اُیُن اسُت کُه با مَسیح یِک شُود. «و حُقیقت شُما را اُزاد خُواهِد سَاخت»؛ و مَسیح هُمان حُقیقت اسُت. گُناهِ تُنُها از راه تَضعیف دُهن و نابُود سَاختن اُزادِی جُان مِی_تُوانُد غالِب شُود. اطُاعت از خُدا باز گُشت اُنُسان بِه خُویُشُتن خُویُش اسُت،—بِه جلال و کُرامت رُاستِیُن اُنُسان. شُریعتِ اُلهِی کُه ما حُتُت اطُاعت اُن قُرار مِی_گِیریْم، «شُریعتِ اُزادِی» اسُت. یُعقُوب ۲:۱۲. "اُرزوی اُعصار، ۴۶۶.

پُولُس فُریاد بَر اُورُد: «وای بر من کُه چِهُ مَرد شُقی_ای هُستَم! چِهُ کُسی مَرا از پِی_کُر اُیُن مَرگ خُواهِد رُهانُیُد؟» خُواهِر وایت اُظْهَار داشُت: «هُنُگامی کُه اُرزو دُاریْم از گُناهِ اُزاد گُردِیْم، و دُر نِیاز عَظِیْم خُود

برای نیرویی بیرون از خود و برتر از خود فریاد برمی‌آوریم، قوای جان با انرژی الهی روح القدس آکنده می‌گردد، و در به‌جا آوردن اراده‌ی خدا، از فرامین اراده اطاعت می‌کند.» در به‌کار گرفتن ترکیب انسانیت ما با الوهیت مسیح، از طریق اعمال اراده‌ی خویش، ما «عمل» زدودن گناه را از «جان» خود به انجام می‌رسانیم.

شاسن में स्वभाव के मनुष्य "इच्छा" है। आवश्यकता की समझने को बल वास्तविकी के इच्छाशक्ति "हमें परन्तु करता नरिभर पर क्रिया सही की इच्छा कुछ सब शक्ति की करने चुनाव या करने नरिणय, है शक्ति वाली करने नहीं हृदय अपना तुम है। कार्य उनका करना प्रयोग उसका; है दी को मनुष्यों ने परमेश्वर शक्ति की चुनाव है। कर चुनाव का करने सेवा उसकी तुम परन्तु; सकते दे नहीं को परमेश्वर स्नेह उसके आप अपने तुम, सकते बदल और चाहने अनुसार के इच्छा शुभ अपनी में तुम वह तब; हो सकते कर समर्पति इच्छा अपनी उसे तुम हो। सकते आया ले में नरितरण के आत्मा के मसीह स्वभाव समस्त तुम्हारा प्रकार इस करेगा। कार्य, लयि के दोनों, करने "होगे। में सामंजस्य साथ उसके वचिर तुम्हारे, होंगे केन्द्रति पर उसी स्नेह तुम्हारे; जाएगा

پولس این حقایق را می‌دانست، و می‌دانست که سرشت فروتر او باید از طریق به‌کارگیری اراده‌اش، تحت انقیاد سرشت برترش نگاه داشته شود. از همین رو بود که پولس هر روز می‌مرد.

من به آن فخری که درباره‌ی شما در مسیح عیسی، خداوند ما، دارم، شهادت می‌دهم که هر روز می‌میرم. اول قرنتیان 15:31.

پولس می‌دانست که لازم است هر روز با به‌کار گرفتن اراده‌ی خود، طبیعت پست خویش را مصلوب سازد تا آن را در انقیاد نگاه دارد. از این رو، جسم خود را مصلوب می‌ساخت.

و آنان که از آن مسیح‌اند، جسم را با امیال و شهواتش مصلوب کرده‌اند. غلاطیان ۵:۲۴.

پولس می‌دانست که جسم گناه‌آلود او تا زمان ظهور ثانوی مسیح در بشریت باقی خواهد ماند؛ آنگاه که وفاداران، در طَرَفِ الْعَیْن، بدنی تازه و جلال‌یافته دریافت خواهند کرد. از همین رو، سال 1798 بنیان آن چهل‌وشش سالی را مشخص می‌سازد که در طی آن، هیکل میلری برپا گردید؛ زیرا مسیح، به‌عنوان یگانه بنیاد، همان بره‌ای بود که از بنیاد ذبح شده بود. پادشاهی شمالی همان جسم بود که از طریق گناه بر بشریت تسلط یافته بود و خود را برکشیده بود تا پادشاهی شمالی جعلی باشد. در سال 1844، به یوحنا گفته شد که صحن را «واگذار»، که در زبان یونانی به معنای رد کردن طبیعت سفلی است؛ طبیعتی که بر طبیعت علیا، یعنی جایی که خدا برگزیده بود نام خویش را در آن قرار دهد، استیلا یافته بود؛ و در سال 1798، جسم بشر (طبیعت سفلی) با «هواها و هوس‌ها» می‌بایست مصلوب گردد.

در بنیاد امر، جسد مسیح در هنگام مصلوب شدن مُرد، زیرا او از زندگان منقطع گردید. پس از آن، پادشاهی جنوبی می‌بایست یک امت باشد، با یک پادشاه، در عهد با خدا، و امتی که مقدس خدا در میان آنان باشد. سطر بر سطر، «هفت زمان» اکنون «سر زاویه» است، زیرا از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ خداوند «لشکر شمالی» خویش را به‌مثابه عَلم برمی‌انگیزد. آن لشکر باید یک امت باشد، و آن امت تنها صورت او را منعکس خواهد کرد، و این دقیقاً در همان زمانی واقع می‌شود که شیطان «شاخ» خود را برمی‌انگیزد که همان صورت وحش است. در باب سی‌وهفتم حزقیال، پیام چهار باد، پیام باران آخر را بر آنان که آنگاه چون آن لشکر برمی‌خیزند می‌دمد. پیام چهار باد، پیام شیپور هفتم است، جایی که در آن راز خدا به انجام می‌رسد.

تکمیل کار مهر کردن در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد. زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر در خلال به صدا درآمدن شیپور هفتم به انجام می‌رسد، و آن شیپور در فرایند مهر کردن سه بار نواخته می‌شود. این همواره نشانه ضربه‌ای از سوی اسلام بر سرزمین جلال است. «سرزمین جلال» روحانی مدرن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد اصابت قرار گرفت، و سرزمین جلال تحت‌اللفظی باستانی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، درست

در همان سالی که آن دو شاهی که کشته شده بودند دوباره زنده شدند، موردِ اصابت قرار گرفت. سومین ضربه در قانون یکشنبه‌ای است که به‌زودی در ایالات متحده خواهد آمد.

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، شاخ جمهوری‌خواه و شاخ پروتستان حقیقی وحش زمین، انتقالات نهایی خود را به‌سوی شاخی که در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع، یا همچون اژدها سخن می‌گوید یا همچون بره، به انجام می‌رسانند. دو تجلی خصم درونی و بیرونی در نبرد عظیم، که در خلال رویدادهای پایانی تاریخ زمین به نمایش درمی‌آید، هر دو در تاریخی قرار دارند که به‌وسیله آیه چهل از فصل یازدهم دانیال نمایانده شده است. دو تحول نهایی آن دو شاخ، در هنگام به صدا درآمدن شیپور هفتم به انجام می‌رسد. شیپور هفتم، سومین از سه شیپور وای است.

سه بلا، بیانگر کاربردی سه‌گانه از نبوت هستند، و بدین‌سان گواهی نیرومند بر نشانه‌ی ۷ اکتبر ۲۰۲۳ فراهم می‌آورند. هم در بلای اول و هم در بلای دوم، جنگ‌افروزی اسلام بر ضد لشکرهای روم به انجام رسید، که در ایام آخر همان ایالات متحده است؛ چنان‌که این امر با غلبه بر اتحاد جماهیر شوروی، که در سال ۱۹۸۹ به‌واسطه ائتلافی پنهانی میان دجال (پاپ ژان پل دوم) و نبی کاذب (رونالد ریگان) تحقق یافت، مورد شهادت قرار گرفته است.

در وای نخست، چنان‌که در باب نهم مکاشفه بیان شده است، نبوتی زمانی به مدت پنج ماه وجود دارد که برابر با یکصد و پنجاه سال است. در وای دوم، نبوتی زمانی به مدت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز وجود دارد. هر دو نبوت زمانی، جنگی را که اسلام در خلال آن دو تاریخ نمایانگر وای نخست و وای دوم بر ضد روم به‌راه آورد، نشان می‌دهند. این دو نبوت، دو نتیجه متفاوت از آن جنگ را در بر داشتند. در نخستین یکصد و پنجاه سال، اسلام می‌بایست روم را «آزار» دهد، و در نبوت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز، اسلام می‌بایست روم را «بکشد». این دو نبوت مستقیماً به یکدیگر مرتبط بودند. پایان یکصد و پنجاه سالی که در آن اسلام می‌بایست روم را آزار دهد، آغاز سیصد و نود و یک سال و پانزده روزی را که در آن اسلام می‌بایست روم را بکشد، مشخص می‌ساخت. وای نخست و وای دوم به‌واسطه پایان آن یکصد و پنجاه سال، و آغاز آن سیصد و نود و یک سال و پانزده روز، از یکدیگر جدا می‌شوند.

ایالات متحده با فرا رسیدن قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع، دیگر پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس نیست، و در همان هنگام است که از منظر نبوی «کشته» می‌شود. ساعت «زلزله عظیم» در مکاشفه باب یازده، همان قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع است، و هنگامی که آن ساعت فرا رسد، شیپور هفتم اسلام نیز فرا می‌رسد. آن می‌آید تا پایان، یا مرگ پادشاهی ششم را نشان‌گذاری کند، که همان لشکر روم در ایام آخر است. آن مرگ، با یکصد و پنجاه سال آسیب‌رساندن اسلام به لشکرهای روم پیشی گرفته بود. بنابر رسانه‌های جریان اصلی، که می‌کوشند فعالیت‌های اسلام رادیکال را در جهان معاصر کم‌اهمیت جلوه دهند، از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا زمان نگارش این مقاله در ۱۲ فوریه ۲۰۲۴، اسلام یکصد و شصت و پنج حمله علیه منافع آمریکا در سراسر جهان انجام داده است.

پینتیس برس تک اسلام کا رومی افواج کو نقصان پہنچانا، جو پہلے اور دوسرے ہول میں رومی افواج کے قتل تک پہنچاتا ہے، تیسرے ہول کی تاریخ میں بھی دہرایا جاتا ہے، کیونکہ نبوت کے سہ گنا اطلاق کا عمل اسی طرح کام کرتا ہے۔ ساتویں نرسنگی کا پھونکا جانا، جو ایک لاکھ چوالیس ہزار کے مہر ہونے کا عمل ہے، اور جس وقت الوہیت اور انسانیت کا امتزاج واقع ہوتا ہے، جیسا کہ دو لائھیوں کے ملنے سے ظاہر کیا گیا ہے، اس کے تین سنگ میل ہیں۔ پہلا روحانی جلیل القدر ملک ہے اور آخری بھی روحانی جلیل القدر ملک ہے۔ درمیانی سنگ میل حقیقی جلیل القدر ملک ہے۔

در سال ۲۰۲۳، دومین انفجار از شیپور هشدار وای سوم، تشدید جنگ‌افروزی اسلام را مشخص ساخت، آنگاه که این جنگ‌افروزی وارد دوره‌ای شد که در آن می‌بایست به وحش زمین «آسیب» برساند. در

همان سال، آن دو شاهد شاخ جمهوری خواه و شاخ پروتستان حقیقی دوباره جان گرفتند و انتقالات متقابل خود را به سوی شاخ‌های نمادین نهایی خویش آغاز کردند. در مورد شاخ جمهوری خواه، این امر عبارت بود از ترکیب تمامی قدرت‌های مرتد پروتستان با تمامی قدرت‌های مرتد جمهوری خواه تا یک شاخ را تشکیل دهند که همان تصویر وحش است. و در مورد شاخ پروتستان حقیقی، این امر عبارت بود از ترکیب الوهیت با انسانیت، آنگاه که شاخ در سیر انتقالی خود از حیث خصلت از لادیکیه‌ای به فیلادلفیایی گذر می‌کرد، تا بازتاب ضد تصویر وحش باشد. سال ۲۰۲۳ بیست و دو سال پس از ۲۰۰۱ واقع شد، و بدین‌سان پیوند نمادین الوهیت متحد با انسانیت را نمایان ساخت.

Toda esta historia acontece en el versículo cuarenta de Daniel once, que es el versículo que fue desellado y produjo el aumento del conocimiento en 1989, lo cual está representado por el río Hiddekel. En la historia profética de ese versículo, también se lleva a cabo la obra final en el Lugar Santísimo, la cual es la luz que fue desellada en 1798, y está representada por el río Ulai. El comienzo del versículo cuarenta identifica el tiempo del fin en 1798, y el final del versículo identifica el tiempo del fin en 1989; y ambos ríos confluyen juntos en la historia del versículo cuarenta, así como el Tigris y el Éufrates (el Ulai y el Hiddekel) lo hacen justo antes de llegar al golfo Pérsico

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ او مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را التیام بخشم، و آزادی را برای اسیران، و گشایش زندان را برای بندگان اعلام کنم؛ تا سال مقبول خداوند و روز انتقام خدای ما را ندا کنم؛ تا همه ماتمیان را تسلی بخشم؛ تا برای ماتمیان صهیون مقرر دارم که به ایشان زیبایی به‌جای خاکستر، روغن شادمانی به‌جای ماتم، و ردای حمد به‌جای روح افسردگی عطا شود؛ تا ایشان درختان عدالت، غرس خداوند، خوانده شوند، تا او جلال یابد.

و ایشان خرابه‌های قدیم را بنا خواهند کرد، و ویرانی‌های نخستین را برپا خواهند ساخت، و شهرهای خراب، یعنی ویرانی‌های نسل‌های بسیار را مرمت خواهند نمود. و بیگانگان ایستاده، رمله‌های شما را خواهند چرانید، و پسران غریب، شخم‌زندگان و باغبانان تاکستان‌های شما خواهند بود. اما شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد؛ مردم شما را خادمان خدای ما خواهند خواند؛ و ثروت امت‌ها را خواهید خورد، و به جلال ایشان فخر خواهید کرد. به عوض ننگ خود، نصیب مضاعف خواهید یافت؛ و به عوض رسوایی، در بهره خویش شادی خواهند نمود؛ از این‌رو در سرزمین خود، نصیب مضاعف را مالک خواهند شد؛ و شادی جاودانی از آن ایشان خواهد بود.

زیرا من، خداوند، داوری را دوست می‌دارم؛ از غارت در راه قربانی سوختنی نفرت دارم؛ و کار ایشان را در راستی استوار خواهم ساخت، و با ایشان عهدی جاودانه خواهم بست. و ذریت ایشان در میان امت‌ها معروف خواهد شد، و نسلشان در میان قوم‌ها؛ هر که ایشان را ببیند، ایشان را بازخواهد شناخت که اینان همان نسلی هستند که خداوند برکت داده است. من در خداوند په‌غایت شادمان خواهم شد، جانم در خدایم به وجد خواهد آمد؛ زیرا که او مرا به جامه‌های نجات ملیس ساخته، و ردای پارسایی را بر من پوشانیده است؛ همچون دامادی که خویشان را به زیورها می‌آراید، و همچون عروسی که خود را به جواهرات خویش می‌آرازد. زیرا چنان‌که زمین جوانه خود را بیرون می‌آورد، و باغ سبب می‌شود آنچه در آن کاشته شده است بروید، همچنین خداوند یهوه پارسایی و ستایش را در برابر همه امت‌ها خواهد رویانید. اشعیا ۶۱:۱-۱۱.